**اربعینیات[[1]](#footnote-1)**

**استحباب اربعین**

علامه مجلسی می نویسد:

در اخبار، علت استحباب زیارت اربعین بیان نشده است؛ اما قول مشهور در بین اصحاب علم این است که علت این استحباب، بازگشت اهل بیت حسین(ع) در آن روز (بیستم صفر) به کربلا در زمان برگشتشان از شام، و همچنین ملحق کردن سرهای شهدا به اجساد مطهرشان به دست علی بن الحسین(ع) است.. . شاید هم علت استحباب زیارت در این روز، آن باشد که جابر بن عبدالله انصاری در چنین روزی از مدینه به کربلا آمده و به زیارت قبر شریف آن حضرت نائل شد. از این رو مستحب است به او تأسّی کرد.(1)

**دیدار در اربعین**

به نقل سید بن طاووس:

چون اهل بیت حسین(ع) از شام به عراق رسیدند، به راهنمای کاروان گفتند: ما را از کربلا عبور دهید. هنگامی که اهل بیت به قتلگاه رسیدند، جابر بن عبدالله انصاری و جمعی از بنی هاشم و مردان خاندان رسول خدا را ملاقات کردند که برای زیارت قبر حسین(ع) آمده بودند. همه شروع به گریه و ناله کردند و بر صورت های شان می زدند و به گونه ای عزاداری و نوحه سرایی می کردند که جگرها را آتش می زد. زنان منطقه عراق نیز نزد اهل بیت آمدند و آنان نیز چند روزی عزاداری کردند.(2)

**محتوای زیارت اربعین**

زیارت اربعین، حاوی نکات ارزنده ای است که با ذکر سلام ها آغاز می شود و با شهادت به مجد و عظمت امام حسین(ع) ادامه می یابد. دعوت امام و روشنگری های حضرت با بیان و بنان، دلایل امتناع از بیعت با یزید، نصیحت و خیرخواهی او، تلاش حضرت در صحنه های عاشورا و تحمل ناملایمات، همت گماردن بر رهایی بندگان از جهالت و... فرازهایی از این زیارت شریف است که از امام صادق(ع) نقل شده است. واقعه عاشورا نتیجه جهالت مسلمین آن زمان بود؛ جهالتی که به معنای نادانی نیست؛ زیرا آنان حسین(ع) و هدف او را می شناختند؛ بلکه جهل آنان از جنس نابخردی و عدم تعقل است.(3)

**سیره سید محسن أمین(ره)**

مرحوم سید محسن امین عاملی(ره) نقل می کند:

در طول 10 سال و نیم که در نجف بودم، زیارت های مخصوصه عاشورا و عیدین و عرفه و اربعین از من فوت نشد، مگر اندکی. قبل از سفر، پیش طلبکاران در بازار می رفتم و حلیت می طلبیدم و علاقه داشتم به پیاده زیارت کردن. گرچه ابتدا دشوار می پنداشتم، ولی در اثر تجربه، دریافتم که آسان است. جماعتی هم از اهل «جبل عامل» و نجف و دیگران به دنبال من می آمدند و پیروی می کردند. چندین بار پیاده به زیارت کربلا رفتم.(4)

زیارت میلیونی

در ایام اربعین در عراق، میلیون ها نفر، با مواکب حسینی برای زیارت قبر مطهر وارد کربلا می شوند و اجتماع عظیم محبت آمیز، مشتمل بر تعارفات مهرانگیز و اتحادآور و مودّت خیز، فراهم می آید و آن شهرستان مقدس، یکپارچه عزا و ناله و ضجّه و نوحه و ندبه بر سید مظلومان می گردد و مواکب، از حرم حضرت سید الشهدا(ع) خارج شده، به حرم حضرت ابوالفضل قمر بنی هاشم(ع) هجوم می آورند و در آن روز، اثرات نهضت حسینی در جلوی چشم انسان مجسم می شود.(5)

**اربعین حدیث**

شیخ آقابزرگ تهرانی می نویسد:

سنت مؤکد و حدیث قطعی و متواتر از پیامبر خدا’ است که: «مَنْ حفظ علی اُمّتی أربعین حدیثاً...» و علمای شیعه در کتب خود، متن این حدیث را با سندهای مختلف نقل کرده اند. از این رو سیره عالمان بر این جاری شده است که کتاب هایی با عنوان «اربعون حدیثاً» تدوین کنند. در فارسی هم کتاب هایی با عنوان «چهل حدیث» تألیف شده است.(6)

سپس حدود 80 کتاب را که همه عنوان «الاربعون حدیثاً» دارند، معرفی می کند. این چهل حدیث ها اغلب در موضوعات اخلاقی، فضلایل، مناقب امیرمؤمنان(ع)، بحث های تاریخی و اعتقادی است. برخی تنها متن چهل حدیث است، ولی اغلب همراه با شرح و تفسیر است. یکی از آنها «الاربعون حدیثاً من الاربعین عن الاربعین» در فضایل امیرمؤمنان(ع) است که چهل حدیث از چهل شیخ، از چهل صحابی، از چهل کتاب نقل کرده که همه در مناقب حضرت علی(ع) است؛ تألیف شیخ امام منتخب الدین.(7)

**بزرگداشت عاشورا و اربعین**

امام خمینی(ره) می فرمایند:

این روزهای بزرگ را بزرگ شمارید و اربعین ها را، عاشوراها را و امثال این ها را بزرگ بشمارید. اسلام این قدر برای اجتماع و برای وحدت کلمه تبلیغ کرده است و هم عمل کرده است. یعنی روزهایی را پیش آورده است که با خود این روزها و انگیزه این روزها تحکیم وحدت می شود؛ مثل عاشورا و اربعین.(8)

**زیارت جابر**

گزارش های بسیاری حاکی از حضور جابر بن عبدالله انصاری در کربلا در نخستین اربعین شهدا در سال 61 هجری وارد شده است. برخی در این گزارش ها تردید کرده و گفته اند: با توجه به امکانات آن دوران، سفر از مدینه تا کربلا، پس از دریافت خبر واقعه کربلا، بیش از چهل روز طول می کشیده است. از این رو جابر نمی توانسته در اولین اربعین، خود را به کربلا رسانده باشد.

در پاسخ به این تردید می توان گفت: اولاً از کجا ثابت شده که جابر، هنگام واقعه عاشورا در مدینه بوده است؟ شاید وی آن هنگام، مدینه را به سوی کوفه ترک کرده بوده است. ثانیاً می توان گفت که امکان دریافت خبر شهادت امام حسین(ع) و یارانش تا ده روز پس از واقعه عاشورا وجود دارد و جابر می توانسته در مدت باقی مانده تا اربعین، خود را به کربلا برساند.(9)

**الحاق سر مطهّر**

ابوریحان بیرونی (م 440 ق) می نویسد:

روز بیستم ماه صفر (اربعین) سر حسین بن علی(ع) به بدنش ملحق شد و در همان مکان دفن گردید. زیارت اربعین نیز در این روز بوده است و آنان چهل نفر از اهل بیت او بودند که پس از بازگشت از شام، قبر امام را زیارت کردند.(10)

**چهل راهب شهید**

در لغتنامه دهخدا درباره واژه «اربعین» آمده است:

اربعین، کوهی است در جنوب «اِدلب» از اعمال حلب، دارای هوای نیک و آب های عذب و متنزهات خرم و چهل دِیر در آن است و موقع آن در «وادی اللّجاۀ» است و وجه تسمیه آن به اربعین از این جهت است که چهل راهب را که آن جا بودند بکشتند و گویند به مناسبت آن که چهل ناسک را در ناحیه جبل سینا در اواخر قرن چهارم میلادی بکشتند، آن جا را اربعین خواندند.(11)

**سنت اربعین**

شهید قاضی طباطبائی در کتاب خود می نویسد:

بکاء آسمان و زمین و ملائکه و آفتاب بر سیدالشهدا(ع) تا چهل روز؛ طریق و عادتی را که در میان مردم یک حال استمراری پیدا کرده و بر سید مظلومان «اربعین» نگاه می دارند، نشان می دهد. حتی در میان مردم در زمان فوت کسان خودشان نیز این رویّه معمول شده و این سیره مستمره را انجام می دهند و احترام آنها را که از دنیا رفته اند، نگاه می دارند و شیعه تا اربعین آن حضرت از شادی و خشنودی خودداری می کنند. حتی در غیرمسلمانان نیز این عادت در مرده های شان مراعات می شود؛ خصوصاً که از بزرگان آن قوم باشد و کسی باشد که آثار علمی و نتایج قدمی را که در راه رفاه و آسایش دینی و دنیوی آنان برداشته باشد و در اصلاح جامعه، از جان گذشتگی نشان داده باشد.(12)

**کیفیت زیارت جابر**

عطا (عطیه عوفی) که همسفر جابر بن عبدالله در روز بیستم ماه صفر بوده است، می گوید: چون به غاضریّه رسیدیم، جابر در آب فرات غسل کرد و پیراهن طاهری که با خود داشت پوشید. پس گفت: آیا با تو چیزی از بوی خوش هست ای عطا؟ گفتم: با من شعد هست. پس مدتی از آن شعد گرفت و بر سر و بدن پاشید و با پای برهنه روانه شد. تا ایستاد نزد سر مبارک حضرت امام حسین(ع) و سه مرتبه «الله اکبر» گفت؛ پس افتاده، بیهوش شد و چون به هوش آمد، شنیدم که گفت: «السلام علیک یا آل الله...» تا آخر.

پس خم شد و دو طرف روی خود را بر قبر مقدس مالید و چهار رکعت نماز کرد؛ پس آمد به نزد قبر علی بن الحسین(ع) و گفت: «السلام علیک یا مولای و ابن مولای...»؛ پس قبر را بوسید و دو رکعت نماز کرد و رو به جانب قبر شهدا کرد و گفت: «السلام علی الارواح المنیخۀ بقبر ابی عبدالله...» تا آخر. پس آمد نزد قبر حضرت عباس(ع) و ایستاد نزد قبر و گفت: «السلام علیک یا ابالقاسم...»؛ پس دو رکعت نماز کرد و خدا را خواند برای حاجت های خود و بازگشت.(13)

**یک اربعین گریه آسمان**

امام صادق(ع) می فرماید: آسمان بر حسین بن علی(ع) و بر حضرت یحیی بن زکریا گریست و بر احدی جز این دو نگریسته است. راوی (عبدالله بن هلال) از امام پرسید: گریه آسمان بر این دو شهید چگونه بود؟ امام فرمود: مردم چهل روز دیدند که طلوع و غروب خورشید، سرخ و خون رنگ است. پرسید: آیا گریه آسمان همین است؟ فرمود: آری.

در حدیث دیگری امام باقر(ع) فرمود: پس از یحیی بن زکریا آسمان بر کسی جز حسین بن علی(ع) نگریسته است. آسمان چهل روز بر آن حضرت گریست.(14)

**چهل روز گریه آدم(ع)**

وقتی هابیل و قابیل به قربانگاه رفتند و قابیل، هابیل را کشت، نزد پدر آمد. حضرت آدم پرسید: هابیل کو؟ گفت: مگر او را به من سپرده بودی؟ آدم گفت: مرا به محل قربانی ببر، و حس کرد که قابیل او را کشته باشد. وقتی به آن جا رسیدند، دریافت که هابیل به دست قابیل کشته شده؛ پس آدم از آن جا بزگشت و چهل شبانه روز بر هابیل گریه کرد.(15)

**چلّه نشینی**

اربعین، عبادت است از چله نشینی، اعتکاف و انزوای چهل روزه، که از رسم های سلوک صوفیانه است. شمس الدین آملی می نویسد: «متصوفه سالک را در مبدأ به خلوت فرموده اند، تا در کوره خلوت، نفس او به آتش ریاضت گداخته شود، از آلایش طبیعت صافی گردد».

و تعیین آن به اربعین، مستفاد است از آنچه رسول فرمود: «من أخلص لله اربعین صباحاً ظهرتْ له ینابیع الحکمۀ من قلبه علی لسانه»؛ کسی که چهل روز خالصانه عبادت و اعتکاف کند، چشمه های حکمت از دلش بر زبانش جاری می گردد. از کلام الهی در بیان میقات و تبتُّل و انقطاع موسی(ع) با حق سبحانه و تعالی، آن جا که فرمودند: {وَوَاعَدْنَا مُوسَی ثَلَاثِینَ لَیلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِیقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِینَ لَیلَةً}؛ و وعده گذاردیم با موسی به سی شب، و سپس ده شب دیگر بر آن افزودیم، تا میقات او با خدا چهل شب کامل شد. (اعراف، آیه 142).

 که ای صوفی شراب آنگه شود صاف              که در شیشه بماند اربعینی(16)

**اربعین و انقلاب**

در تاریخ انقلاب اسلامی، سنت احیای اربعین، تأثیر شگرفی در گسترش شور انقلابی در شهرها داشت. در چهلم شهدای حادثه قم (قیام مردم در تاریخ 19 دی 1356 ش) مردم مسلمان تبریز قیام کردند و شهید دادند. در اربعین شهدای تبریز، مردم شهرهای دیگر مجلس یادبود گرفته، تظاهرات کردند و همین گونه اربعین ها به هم وصل شد و سراسر ایران به نهضت پیوست؛ تا آن که انقلاب اسلامی در 22 بهمن 1357 به پیروزی رسید. این به برکت الهام گرفتن از فرهنگ شهادت و ایثار خون بود که ملت قهرمان ایران، از عاشورا فرا گرفته بود. «اربعین» تداوم «عاشورا» بود و «ذِکر»، رسالتِ بازماندگان پس از خون و شهادت.(17)

1. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 98، ص 334.

2.سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص 225.

3.ره‌توشه راهیان نور، 1380 ش.

4.سیدمحسن أمین، اعیان الشیعه، ج 10، ص 359.

5.سیدجواد شبّر، ادب الطّف، ج 1، ص 41.

6. شیخ آقابزرگ تهرانی، الذریعه إلی تصانیف الشیعه، ج 1، ص 409.

7. همان، ص 433.

8. صحیفه نور، ج 15، ص 266 و 262.

9.محمد محمدی ری‌‌شهری، شهادت‌نامه، ص 839.

10. ابوریحان بیرونی، الآثار الباقیه، ص 331 (به نقل از مقتل جامع سیدالشهدا×).

11. لغت‌نامه دهخدا، واژه «اربعین».

12.سید محمدعلی قاضی طباطبایی، تحقیق درباره اولین اربعین سیدالشهدا× ، ص 256.

13.محمدباقر مجلسی، تحفۀ الزائر، مؤسسه الهادی، ص 458.

14. بحار الانوار، ج 45، ص 210 و 211.

15.همان، ج 11، ص 230.

16.بهاءالدین خرّمشاهی، حافظ نامه، ج 2، ص 1226.

17.جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص 46

1. . <https://noo.rs/rGiDB>: حجت الاسلام جواد محدثی [↑](#footnote-ref-1)